محاکمه مادر بابک خرمدین

همسر اکبر خرمدین به اتهام معاونت در قتل در شعبه پنجم دادگاه کیفری یک استان تهران محاکمه شد. به گزارش خبرنگار جام‌جم، این زن سالخورده او اخر اردیبهشت امسال همراه شوهرش اکبر، به اتهام قتل پسرشان بابک خرمدین بازداشت شدند. آنها بعد از قتل، جسد را تکه‌تکه کرده و در سطل‌های زباله سطح شهر رها کردند. این زن در تحقیقات مقدماتی مدعی شده بود در بیهوش کردن پسرش نقش داشته است. این زوج در ادامه به قتل دختر و داماد خود اعتراف کردند که این موضوع روند رسیدگی به پرونده را وارد مرحله تازه‌ای کرد. آنها مدعی شدند فرزندان‌شان ناخلف بودند و به همین دلیل آنها را کشتند. ایران پس از انتقال به زندان با انتشار فایلی صوتی مدعی شد به دلیل ترس از همسرش به همدستی در قتل‌ها اعتراف کرده است. اکبر خرمدین ۳۰ آبان در زندان سکته کرد و مرد و با توجه به گذشت اولیای دم، زن زندانی دیروز از جنبه عمومی جرم در شعبه پنجم دادگاه کیفری محاکمه و با توجه به کهولت سنش خواستار آزادی‌اش شد.

گفت‌وگو با پسر محکوم به قصاص که پس از ۱۰ سال بخشیده شد

در بند قاتلان، کسی دل و دماغ عید ندارد

لیلا حسین‌زاده
حوادث

اشک و بغض در تمام نیم‌ساعتی که با هدایت صحبت کردیم، یک لحظه هم او را رها نکرد. ۱۰ سال در زندان رجایی‌شهر کرج بودن و مدام با کابوس قصاص زندگی کردن، تاب و توانش را به طور کامل از او گرفته بود اما امسال خداوند، بعد هم خانواده مقتول تصمیم گرفتند سرنوشت دیگری برای او بنویسند و فرصت دوباره‌ای به او بدهند تا خودش را بسازد. خانواده مقتول درخواست ۵۰۰ میلیون تومان دیه کرده بود که بخشی را خانواده هدایت و بخش دیگرش را خیران پرداخت کردند تا او پس از ۱۰ سال، اولین عید را کنار خانواده‌اش بگذراند. تنها چند روز از آغاز سال ۹۱ گذشته بود که سایه اتفاقی شوم، بر سر هدایت و خانواده‌اش افتاد. سایه‌ای که ۱۰ سال تمام، سرد و سنگین بر سر او باقی ماند و امیدش را ناامید کرد. سه‌راه افسریه تهران، محل وقوع جنایتی بود که هدایت به خوابش هم نمی‌دید روزی مرتکب آن شود. آن روز در خیابان، دوست هدایت با جوان ۲۹ ساله‌ای گلاویز شد. هدایت که آن زمان فقط ۲۲ سال داشت و نقاش ساختمان بود، جلو رفت تا آنها را از هم جدا کند. چند نفر دیگر هم کمی آن طرف‌تر شاهد دعوا بودند، اما هیچ دخالتی نکردند.

پسر ۲۹ ساله با سر، ضربه محکمی به هدایت زد که باعث عصبانیت او شد. هدایت چاقو را از دست دوستش گرفت و با آن ضربه‌ای به آن پسر زد. خون ناگهان فوران زد و روی زمین سرازیر شد. هدایت که ترسیده بود، با اورژانس تماس گرفت و درخواست کمک کرد. خیلی طول نکشید که تکنسین‌های اورژانس از راه رسیدند و پسر مجروح را به بیمارستان منتقل کردند، اما هدایت با آنها نرفت. پس از انتقال پسر مجروح به بیمارستان، هدایت و دوستش هم به خانه رفتند. هر دو فکر می‌کردند زخم پسر ۲۹ ساله چندان جدی نیست و پس از درمان از بیمارستان مرخص می‌شود، اما فاجعه در حال شکل‌گیری بود. یک روز از بستری شدن پسر چاقوخورده در بیمارستان گذشته بود و پزشکان امیدوار بودند و از مرگ نجات پیدا کند اما زندگی داشت آن روی دیگرش را به او و هدایت نشان می‌داد. پسر ۲۹ ساله برای زنده ماندن مقاومت می‌کرد اما زور مرگ به او چربید و سرانجام روی تخت بیمارستان جانش را از دست داد. حالا او مقتول بود و هدایت تبدیل شده بود به یک قاتل. پس از قتل پسر ۲۹ ساله، ماموران آگاهی هدایت را به جرم قتل دستگیر کردند. دادگاه هدایت که تشکیل شد، خانواده مقتول از او خواستند تا روز حادثه را تعریف کند. هدایت هم گفت. پدر مقتول به هم ریخت و عصبانی شد، اما مادر و دو خواهرش پر چادرشان را به صورت کشیدند و با سوز اشک ریختند. خروجی جلسه دادگاه‌های هدایت، اجرای حکم قصاص بود که با شنیدن آن خودش را باخت. ۱۰ سال از زمانی که هدایت به زندان رفته بود، می‌گذشت که خبر رسید خانواده مقتول رضایت داده‌اند و همه چیز برای آزادی او مهیاست. دیه پرداخت شد و هدایت سرانجام و پس از ۱۰ سال، آزادانه رنگ خورشید را دید و هوای خارج از زندان را با قدرت به درون ریه‌هایش فرستاد. او حالا کنار خانواده‌اش است و باورش نمی‌شود فرصت زندگی دوباره پیدا کرده است. با هدایت که گفت‌وگو کردیم، از ۱۰ سالی که در زندان بود، پرسیدیم؛ از این که روزها و شب‌ها و سال تحویل‌هایش چطور گذشت و با کابوس اعدام چطور زندگی کرد.

اشک و بغض در تمام نیم‌ساعتی که با هدایت صحبت کردیم، یک لحظه هم او را رها نکرد. ۱۰ سال در زندان رجایی‌شهر کرج بودن و مدام با کابوس قصاص زندگی کردن، تاب و توانش را به طور کامل از او گرفته بود اما امسال خداوند، بعد هم خانواده مقتول تصمیم گرفتند سرنوشت دیگری برای او بنویسند و فرصت دوباره‌ای به او بدهند تا خودش را بسازد. خانواده مقتول درخواست ۵۰۰ میلیون تومان دیه کرده بود که بخشی را خانواده هدایت و بخش دیگرش را خیران پرداخت کردند تا او پس از ۱۰ سال، اولین عید را کنار خانواده‌اش بگذراند. تنها چند روز از آغاز سال ۹۱ گذشته بود که سایه اتفاقی شوم، بر سر هدایت و خانواده‌اش افتاد. سایه‌ای که ۱۰ سال تمام، سرد و سنگین بر سر او باقی ماند و امیدش را ناامید کرد. سه‌راه افسریه تهران، محل وقوع جنایتی بود که هدایت به خوابش هم نمی‌دید روزی مرتکب آن شود. آن روز در خیابان، دوست هدایت با جوان ۲۹ ساله‌ای گلاویز شد. هدایت که آن زمان فقط ۲۲ سال داشت و نقاش ساختمان بود، جلو رفت تا آنها را از هم جدا کند. چند نفر دیگر هم کمی آن طرف‌تر شاهد دعوا بودند، اما هیچ دخالتی نکردند.

پسر ۲۹ ساله با سر، ضربه محکمی به هدایت زد که باعث عصبانیت او شد. هدایت چاقو را از دست دوستش گرفت و با آن ضربه‌ای به آن پسر زد. خون ناگهان فوران زد و روی زمین سرازیر شد. هدایت که ترسیده بود، با اورژانس تماس گرفت و درخواست کمک کرد. خیلی طول نکشید که تکنسین‌های اورژانس از راه رسیدند و پسر مجروح را به بیمارستان منتقل کردند، اما هدایت با آنها نرفت. پس از انتقال پسر مجروح به بیمارستان، هدایت و دوستش هم به خانه رفتند. هر دو فکر می‌کردند زخم پسر ۲۹ ساله چندان جدی نیست و پس از درمان از بیمارستان مرخص می‌شود، اما فاجعه در حال شکل‌گیری بود. یک روز از بستری شدن پسر چاقوخورده در بیمارستان گذشته بود و پزشکان امیدوار بودند و از مرگ نجات پیدا کند اما زندگی داشت آن روی دیگرش را به او و هدایت نشان می‌داد. پسر ۲۹ ساله برای زنده ماندن مقاومت می‌کرد اما زور مرگ به او چربید و سرانجام روی تخت بیمارستان جانش را از دست داد. حالا او مقتول بود و هدایت تبدیل شده بود به یک قاتل. پس از قتل پسر ۲۹ ساله، ماموران آگاهی هدایت را به جرم قتل دستگیر کردند. دادگاه هدایت که تشکیل شد، خانواده مقتول از او خواستند تا روز حادثه را تعریف کند. هدایت هم گفت. پدر مقتول به هم ریخت و عصبانی شد، اما مادر و دو خواهرش پر چادرشان را به صورت کشیدند و با سوز اشک ریختند. خروجی جلسه دادگاه‌های هدایت، اجرای حکم قصاص بود که با شنیدن آن خودش را باخت. ۱۰ سال از زمانی که هدایت به زندان رفته بود، می‌گذشت که خبر رسید خانواده مقتول رضایت داده‌اند و همه چیز برای آزادی او مهیاست. دیه پرداخت شد و هدایت سرانجام و پس از ۱۰ سال، آزادانه رنگ خورشید را دید و هوای خارج از زندان را با قدرت به درون ریه‌هایش فرستاد. او حالا کنار خانواده‌اش است و باورش نمی‌شود فرصت زندگی دوباره پیدا کرده است. با هدایت که گفت‌وگو کردیم، از ۱۰ سالی که در زندان بود، پرسیدیم؛ از این که روزها و شب‌ها و سال تحویل‌هایش چطور گذشت و با کابوس اعدام چطور زندگی کرد.

وقتی حکم قصاص را گرفتید، چه حالی شدید؟

(گریه می‌کند.) حتی الان هم می‌ترسم در مورد آن صحبت کنم. زندگی‌ام تیره و تار شد.

این ۱۰ سال در زندان چطور گذشت؟

به اندازه ۱۰۰ سال برایم گذشت. تا مدت‌ها شب‌ها نمی‌خوابیدم و بیدار می‌ماندم. هیچ‌وقت یادم نمی‌رود.

چند بار پای چوبه دار رفتی؟

من نرفتم اما بودند کسانی که رفتند و برنگشتند.

وقتی متوجه می‌شدید که حکم بعضی اعدامیان اجرا شده، چه حالی می‌شدید؟

با بعضی‌ها در یک اتاق زندگی می‌کردیم. یک‌دفعه صدایش می‌کردند و صبح هم خبر اجرای حکمش را می‌دادند. از زندگی می‌افتادیم و همه چیز یادمان می‌رفت. چند روز می‌گذشت تا کمی خودمان را پیدا کنیم. روزهای خیلی بدی بود.

در زندان خودتان را چطور سرگرم می‌کردید؟

تلویزیون تماشا می‌کردیم. کتاب و دعا می‌خواندیم. هواخوری می‌رفتیم و فوتبال و والیبال بازی می‌کردیم. منبت‌کاری و معرق‌کاری می‌کردیم. هرکسی هرکاری دوست داشت، انجام می‌داد.

از حال و هوای عید در زندان بگویید. با بقیه زندانی‌ها سفره هفت‌سین پهن می‌کردید؟ یا تمیزکاری داشتید؟

راستش نه. دل و دماغش نبود. حوصله خودمان را هم نداشتیم، چه برسد به عید و داستان‌هایش. همه به فکر خودشان بودند که قرار است در آینده چه اتفاقی برایشان بیفتد. نظافت هم همیشه بود و پنجشنبه به پنجشنبه نظافت می‌کردیم.

مسوولان زندان تشویق‌تان نمی‌کردند سفره هفت‌سین پهن کنید؟

نه، ولی مددکاران خیلی با ما همدلی می‌کردند و می‌گفتند امیدتان به خدا باشد. دنبال کارمان هم می‌رفتند، اما خب این‌طور نبود که همه از قصاص نجات پیدا کنیم.

دم سال تحویل چه آرزویی می‌کردید؟

فقط دلم می‌خواست از قصاص و زندان نجات پیدا کنم و کنار خانواده‌ام باشم. کل آرزویم همین بود.

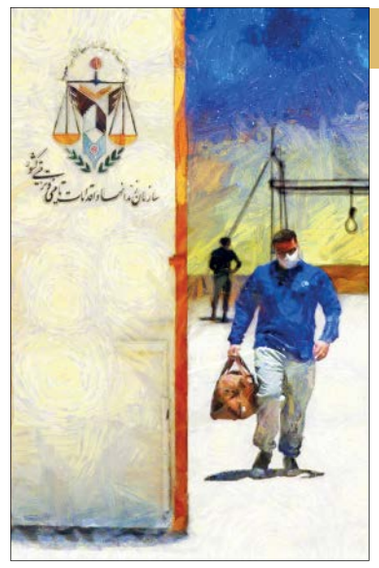

بعد از سال تحویل با خانواده تماس می‌گرفتید؟

بعد از سال تحویل که نه، اما چند روز بعد زنگ می‌زدم و همه‌اش گریه، غم و ناراحتی بود.

در این مدت برای عید به مرخصی هم رفتید؟

نه به کسانی که قتل کرده باشند، مرخصی نمی‌دهند.

باورتان می‌شد عید سال ۱۴۰۱ را ببینید؟

نه به خدا. به خوابم هم نمی‌دیدم. به آزادی و آزاد شدن فکر نمی‌کردم. از بس که فکر قصاص بودم. خیلی خوشحال هستم و خانواده‌ام هم خوشحال هستند. نمی‌دانید اگر خانواده‌ها گذشت کنند، چقدر حس و حال خوبی دارد. خانواده آن پسر که خدا رحمتش کند را هم دعا می‌کنم که فرصت زندگی دوباره به من دادند. خداوکیلی آنقدر ذوق دارم که نمی‌توانم یک جا بنشینم و مدام جنب و جوش دارم. دائم به این فکر می‌کنم که پارسال عید کجا بودم و الان کجا هستم. باور می‌کنید هنوز هم شک دارم آزاد شده باشم؟

چه کسی خبر آزادی را به شما داد؟

خواهرم. گفت خانواده آن پسر خدابیامرز رضایت داده‌اند و پول دیه هم با کمک خیران و خانواده‌ام فراهم شده است. پدرم پنج سال بعد از زندانی شدنم، در اثر تصادف فوت کرد اما مادرم وقتی فهمید آزاد شده‌ام، از شدت خوشحالی فقط گریه می‌کرد و نمی‌توانست حرف بزند.

حوادث مواد محترقه، ۱۹ کشته برجای گذاشت

رکوردزنی تلفات چهارشنبه آخر سال

آمار تلفات و مصدومان شب چهارشنبه‌سوری امسال نسبت به پارسال و سال ۹۸ رکورد عجیب‌وغریبی زد. در سال ۹۸، پنج نفر، سال ۱۱،۹۹ نفر اما امسال آمار تلفات خیلی بالا رفت و ۱۹ نفر در اثر حوادث مختلف شب چهارشنبه آخر سال جان خود را از دست دادند که در ۱۰ سال گذشته بی‌سابقه بوده است. عدد و رقم مصدومان و قطع‌عضوی‌ها هم چشمگیر بود. براساس آخرین آمار اعلامی سخنگوی سازمان اورژانس کشور درخصوص حوادث مرتبط با شب چهارشنبه‌سوری، علاوه‌بر جان‌باختن ۱۹ نفر که بیشترین فوتی‌ها مربوط به دو استان آذربایجان‌شرقی و قم است، ۱۷۱ نفر دچار قطع‌عضو، ۸۸۰ نفر دچار آسیب‌چشمی و ۸۵۰ نفر نیز دچار سوختگی متوسط شدند. در این میان، ۹۰ درصد از ۲۸۱۷ مصدوم حوادث چهارشنبه‌سوری، پس از مداوا از مراکز درمانی ترخیص شدند. شب چهارشنبه‌سوری امسال با آتش‌ودود و حوادث مختلف بیشتری همراه بود. سعید مهرسروش، سخنگوی کمیته چهارشنبه پایان سال مرکز اورژانس تهران آماری درخصوص سن‌وجنس مصدومان ارائه کرد که جالب است. به گفته وی، ۸ درصد مصدومان حوادث چهارشنبه‌سوری در تهران زیر ۳۰ سال بودند و ۱۶ درصد مصدومان حوادث چهارشنبه‌سوری امسال را بانوان و ۸۴ درصد را مردان تشکیل می‌دادند. همچنین ۶۱ درصد مصدومان حوادث چهارشنبه‌سوری در تهران افراد ۱۱ تا ۲۰ سال بودند و بیشترین آمار هم متعلق به این گروه سنی است. درعین‌حال، جنوب تهران با ۳۳ درصد بیشترین آمار مصدومان چهارشنبه‌سوری پایتخت را به خود اختصاص داد. شب چهارشنبه‌سوری حتی خودروهای امدادی هم که به کمک مصدومان می‌رفتند، در امان نبودند. به گفته جعفر میعادفر، رئیس سازمان اورژانس کشور، برخی افراد در تهران و اراک به آمبولانس‌های اورژانس حمله و به سمت آنها نارنجک پرتاب کردند. این حادثه در حالی اتفاق افتاد که به تاکید این مقام مسؤول، تهران به آمبولانس‌های زیادی نیاز دارد اما در اثر این حادثه، یکی از آمبولانس‌های خود را از دست داد. پرسنل اورژانس اراک هم در اثر برخورد با مواد محترقه آسیب دیدند و برای درمان به بیمارستان منتقل شدند. پرواز دادن بالن‌های آرزو هم که یک فرهنگ وارداتی بوده و مدتی است در شب‌های چهارشنبه‌سوری انجام می‌شود، حوادثی را رقم زد. جلال ملکی، سخنگوی سازمان آتش‌نشانی تهران گفت: بالن آرزوها خیلی خطرناک و ممکن است سبب حریق کابل برق، درختان و ساختمان‌ها شود. در یکی از این حوادث، بالن آرزوها سبب شعله‌ور شدن طبقه یازدهم یک ساختمان ۱۴ طبقه شد. در حادثه‌ای دیگر در شمال تهران، یک ساختمان چهارطبقه که قسمت حیاط‌خلوت آن با ایرانیت بسته شده بود، براثر افتادن بالن آرزوها روی ایرانیت شعله‌ور شد. آتش در حال سرایت به داخل واحد بود که خوشبختانه در هر دو مورد همکاران رسیدند و حریق را اطفا کردند.

تلنگر

بخشش قاتل نوزاد ۸۱ روزه در آستانه سال نو

زن جوان که به اتهام قتل فرزند ۸۱ روزه‌اش در بازداشت به‌سر می‌برد، در آستانه سال نو توانست رضایت شوهرش را جلب کند و قبل از محاکمه بخشیده شود. به گزارش خبرنگار جام‌جم، زن جوان اوایل آذر امسال به اتهام قتل نوزاد دختر ۸۱ روزه‌اش، بازداشت و روانه زندان شد. پزشکی‌قانونی سلامت روانی او را تایید و علت مرگ فرزندش را خفگی در آب اعلام کرده بود.

با گذشت چند ماه از این جنایت، زن جوان برای شرکت در آخرین جلسه بازجویی از زندان به شعبه دهم بازپرسی دادسرای جنایی تهران منتقل شد.

پدر مقتول در جریان این جلسه گفت: «ما دو سال قبل ازدواج کردیم و دختری ۸۱ روزه داشتم. یک شب وقتی از محل کار به خانه برگشتم، اثری از همسر و نوزادمان نبود. بعد از چند روز جست‌وجو، همسرم را در یک هتل در شمال کشور پیدا کردم. جسد دخترمان هم در اتاق بود. فکر می‌کردم با قصاص همسرم به آرامش می‌رسم اما این‌طور نبود. از حقم گذشتم و در آستانه سال نو او را بخشیدم.» متهم به قتل هم در آخرین جلسه بازپرسی گفت: «شوهرم دو بار طلاق گرفته و من همسر سومش بودم. هر چند اختلاف‌هایی با هم داشتیم اما عاشق دختر ۸۱ روزه‌مان بودیم. آن شب تنها بودم و دخترم را به حمام بردم. موقع شستن، از دستم سر خورد و داخل تشت افتاد.

بعد از پنج دقیقه به خودم آمدم، او را از آب بیرون آوردم که مرده بود. شاید هیچ‌کس حرف‌هایم را باور نکند اما مرگ بچه‌ام فقط یک اتفاق بود. جسد را یک هفته به هتلی در فریدونکنار بردم و دو بار قصد داشتم خودکشی کنم که نتوانستم.»

طراح: بیژن گورانی

جدول شماره ۶۱۶۸

جدول عادی

افقی: ۱) بعضی اوقات- اقیانوس کبیر- لیف ظرفشویی ۲) انس- برادر قرآن ۳) جهان پهلوان کشتی ایران- قرارداد استعماری نفت ایران و انگلستان- دیکته ۴) آسمانی- نرده- میوه ۵) رنگ استقلالی‌ها- شریک- ترشی بادمجان ۶) کارآموز رشته پزشکی- همدم- غزوه پیامبر(ص) با مشرکان مکه ۷) بندگی- غریبه- نور اندک ۸) ششمین خلیفه اموی- از ورزش‌های تیمی- دانش ذاتی ۹) قسمت‌های آغازین- مقابل اقلیت- منقار کوتاه ۱۰) خالص- دعوت‌شده- مجال و فرصت ۱۱) سیستم فرانسوی نمایش تصویر رنگی در تلویزیون- ابزار نجاری- مقابل حاشیه ۱۲) واحد سیگار- برنج فروش- جدار ۱۳) ماءالشعیر- مولد الکتریسیته- علم و آگاهی ۱۴) تبریک نوروزی ما را پذیرا باشید- پردیس ۱۵) پروردگار- از یاران امام علی(ع)- پنجمین ماه سریانی.

عمودی: ۱) کهن‌ترین قسمت اوستا- علم‌النفس ۲) الی آخر- شیرینی لوزی نوروزی- نانوا ۳) سفره نوروزی ایرانیان- خشک- چابک ۴) پدر مرده- پرخاش- ویروس مهلک قرن ۵) سوره بنی‌اسرائیل- بدگو- درخت زبان گنجشک ۶) غمگین- پی درپی ۷) آزادی- بادبان کشتی- قشنگ ۸) پاداش- آراستن ناخن‌ها- کشتی جنگی ۹) فرآورده‌ای لبنی- پیمان‌شکن- فقر و بی‌چیزی ۱۰) شب‌های عربی- نرم‌افزاری برای کارهای گرافیکی ۱۱) دشمن آتش- اقدام به کار خطرناک- تکیه‌کلام درویش ۱۲) تندرستی- نویسنده رمان فلسفی کاندید- سخنوران ۱۳) سقف دهان- حافظه اصلی کامپیوتر- ضلالت ۱۴) بیشتر- قصد خیرخواهانه- کاشتن بوته برنج ۱۵) عدد سال جدید- نوعی کارد نوک‌تیز.

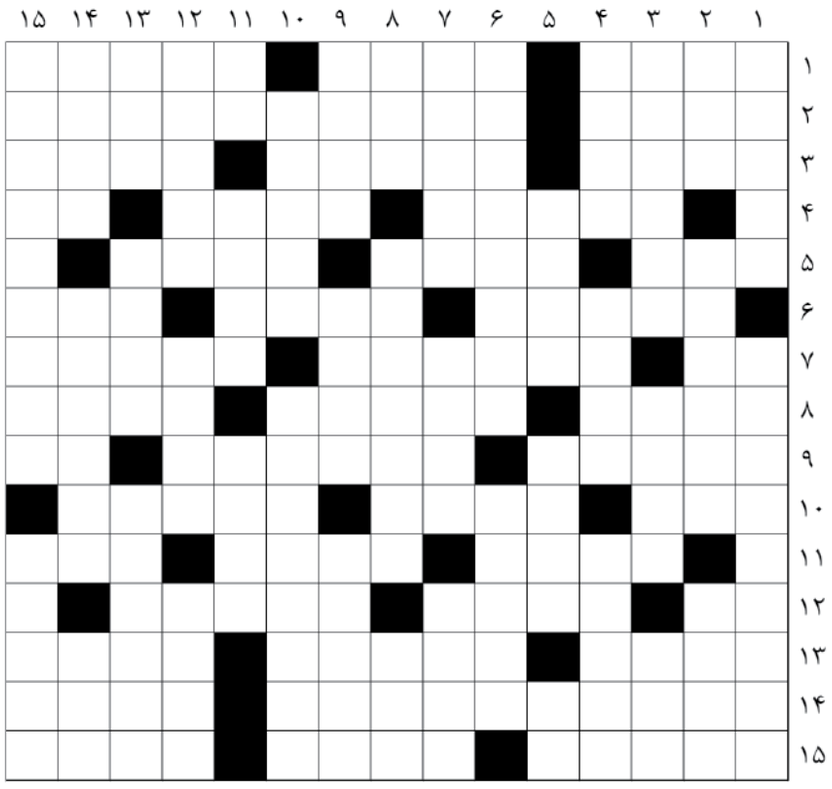

جدول ویژه

افقی: ۱) ملک مشترک و تقسیم‌نشده بین چند نفر- زد و خورد- شاعر ادبیات شیلی ۲) خبر دادن- از سنت‌های نیکوی ایرانیان در ایام نوروز ۳) جانشین وضو- رهبر قزاق‌های روسی و فاتح سیبری- قسمتی از دست ۴) توالی تعدادی از اصوات در موسیقی- مثل ماه- میان ۵) قطعه کوچکی از زمین زراعی- پسران عرب- رشته‌ای از دانش کاربردی و فناوری ۶) برگزیده- زاویه کوچک‌تر از ۹۰ درجه- جراحت ۷) عصب- از القاب امام زمان(عج)- جوجه تیغی ۸) اصلاح عکس پس از ظهور- طول- با ایمان ۹) اهل تاجیکستان- نوعی آرایش موی سر- سودای ناله ۱۰) شیمی کربن- سست- اهل نیست ۱۱) تازه‌کار- رسانا- ضربه شدید روانی ۱۲) خرس- اسپری حفظ حالت موی سر- شایستگی ۱۳) چشمداشت- رشوه‌خواری- آهنربا ۱۴) کنایه از کارشکنی کردن است- برج کج ایتالیا ۱۵) واحد اندازه‌گیری حجم در انگلستان- زن گندمگون- از اجزای تخم‌مرغ.

عمودی: ۱) ارث- از رشته‌های ده‌گانه ورزش دو و میدانی ۲) ساعت قدیمی- کنسرت یک نفره- شهر صنعتی جمهوری چک ۳) وسیله اندازه‌گیری مقاومت الکتریکی- کندن علف‌های هرز- پیشوندی در دستگاه یکاهای بین‌المللی به معنی میلیون ۴) کارگزار- غذای ژاپنی- زرشک ۵) باران تند- تلاشگر- یادداشت ۶) کنایه از آدم تازه به دوران رسیده است- فرستادن ۷) تحتانی- محوطه روباز کشتی- ایوان ۸) بشر- آمارگیری- بذر ۹) توده مردم عادی- خوراک قناری- شهری در لرستان ۱۰) ضربه‌ای در تنیس روی میز- ایالتی در آمریکا ۱۱) رمق آخر- بیدار- لازم ۱۲) تاک پرورش می‌دهد- امانتداران- لاف و گزاف ۱۳) کتاب هندو- آتش‌فشانی در ایتالیا- نحوه فرورفتن آجرها در ساختمان ۱۴) نوعی موتور درونسوز- میوه پاییزی- پیش ۱۵) نقاش فرانسوی قرن نوزدهم و خالق تابلوی موسیقیدان پیر- کم‌ارتفاع.

حل جدول عادی شماره ۶۱۶۷

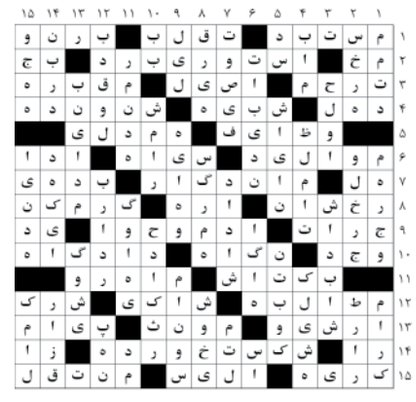

حل جدول ویژه شماره ۶۱۶۷

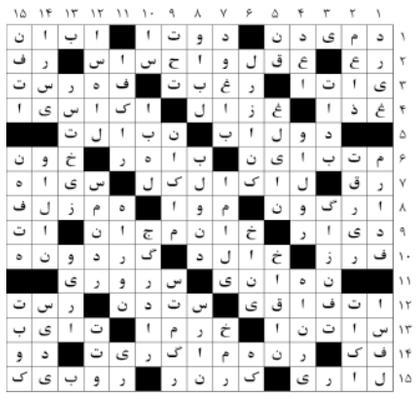

انجام تعهدات بانک در طرح نهضت ملی مسکن

محمود شایان در آیین تقدیر از یکسال تلاش کارکنان بانک مسکن گفت: تنها بانکی هستیم که در سال ۱۴۰۰، توانستیم وظیفه خود را در طرح نهضت ملی مسکن به انجام برسانیم و این مهم با تلاش و همدلی همه کارکنان در سال آینده، بیش از پیش تداوم خواهد یافت. به گزارش پایگاه خبری بانک مسکن - هیبنا، شایان در این مراسم با تبریک میلاد باسعادت منجی عالم بشریت و فرا رسیدن عید نوروز، از یک سال تلاش، همکاری صادقانه و خدمات کارکنان در مسیر تحقق اهداف بانک قدردانی کرد.

وی گفت: بانک مسکن سال خوبی را از نظر ترازنامه مالی به پایان می رساند و برای اولین بار توانسته ایم به رشد منابعی بیش از اهداف تعیین شده برسیم. مدیرعامل بانک مسکن ادامه داد: در سال جاری، بانک توانست NPL نسبت به خالص تسهیلات را به عددی کمتر از حد استاندارد برساند؛ همچنین افزایش سرمایه بانک از رقم ۱۳ هزار میلیارد تومان به بیش از ۳۳ هزار میلیارد تومان رسیده است. وی تاکید کرد: امیدواریم در این چند روز با تلاش و تمرکز بیشتر بر صورت‌های مالی و وصول مطالبات معوق بتوانیم با تصمیمات صحیح مدیریتی، به نقطه ای برسیم که بانک را به سمت سود دهی بیشتر هدایت کنیم.

حل سودوکو ۴۰۷۶

۴	۶	۵	۷	۱	۲	۹	۳	۸
۸	۹	۷	۶	۳	۵	۱	۴	۲
۲	۱	۳	۸	۴	۹	۶	۷	۵
۹	۲	۱	۴	۷	۳	۵	۸	۶
۶	۳	۴	۵	۲	۸	۷	۱	۹
۷	۵	۸	۹	۶	۱	۴	۲	۳
۳	۷	۶	۲	۹	۴	۸	۵	۱
۱	۸	۹	۳	۵	۷	۲	۶	۴
۵	۴	۲	۱	۸	۶	۳	۹	۷

۴	۳	۹	۷	۵	۶	۱	۸	۲
۱	۲	۶	۸	۳	۹	۴	۵	۷
۷	۸	۵	۴	۲	۱	۳	۶	۹
۸	۵	۲	۱	۷	۳	۶	۹	۴
۶	۱	۴	۹	۸	۵	۲	۷	۳
۳	۹	۷	۲	۶	۴	۸	۱	۵
۹	۶	۳	۵	۴	۸	۷	۲	۱
۵	۷	۸	۳	۱	۲	۹	۴	۶
۲	۴	۱	۶	۹	۷	۵	۳	۸

۱	۹	۷	۳	۲	۷	۹	۱	۵
۴	۳	۶	۸	۱	۹	۴	۶	۳
۱	۹	۲	۶	۵	۴	۸	۲	۷
۷	۸	۵	۹	۴	۳	۶	۱	۲
۳	۲	۷	۱	۹	۵	۴	۸	۶
۸	۱	۹	۴	۶	۳	۷	۲	۵
۶	۵	۴	۸	۲	۷	۱	۹	۳
۱	۴	۵	۷	۸	۹	۳	۶	۲
۷	۶	۳	۲	۴	۱	۸	۵	۹
۲	۹	۸	۵	۳	۶	۲	۴	۱
۵	۷	۲	۱	۹	۴	۳	۸	۶
۴	۸	۶	۳	۵	۲	۱	۹	۷
۹	۳	۱	۶	۷	۸	۵	۴	۲

شماره تلفن پذیرش
۴۹۱۰۵۰۰۰
امور آگهی‌های روزنامه جام جم

آگهی مزایده عمومی فروش یک دستگاه خودرو مستعمل
به شماره ۲۸/۱۴۰۰/۲۱۳۳ (نوبت اول)

بانک سپه در نظر دارد مزایده فروش یک دستگاه خودروی رونیز مستعمل خود را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به نشانی الکترونیکی www.setadiran.ir و با شماره ۱۰۰۰۰۰۱۰۳۶۰۰۰۰۱۴ به‌صورت الکترونیکی برگزار نماید.
◄ تاریخ انتشار فراخوان مزایده در سامانه: ساعت ۸ صبح روز پنجشنبه به تاریخ ۱۴۰۰/۱۲/۲۶
◄ آخرین مهلت زمانی دریافت اسناد مزایده از طریق سامانه: ساعت ۱۶:۳۰ روز سه‌شنبه مورخ ۱۴۰۱/۰۱/۲۳
◄ تاریخ بازدید: از ساعت ۹ صبح روز پنجشنبه به‌تاریخ ۱۴۰۰/۱۲/۲۶ لغایت ساعت ۱۲ روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۱/۰۱/۳۱ (بازدید همه روزه به‌جز پنجشنبه‌ها و ایام تعطیل مقدور می‌باشد.)
◄ آخرین مهلت ارسال پیشنهاد: ساعت ۱۶:۳۰ روز یکشنبه به‌تاریخ ۱۴۰۱/۰۲/۰۴
◄ تاریخ بازگشایی پاکت‌ها: از ساعت ۸ صبح روز سه‌شنبه به‌تاریخ ۱۴۰۱/۰۲/۰۶
توجه: لطفا به اصلاحات احتمالی انجام شده در آگهی نوبت دوم مزایده حاضر که در روز دوشنبه به‌تاریخ ۱۴۰۰/۰۱/۱۵ که در همین روزنامه منتشر می‌گردد و یا سایت بانک سپه به نشانی الکترونیکی www.banksepah.ir که تا پایان مهلت ارائه پیشنهادات ملاک عمل می‌باشد، توجه نمایید.
◄ توضیحات و شرایط:
● مزایده‌گران به‌منظور بازدید از خودروی موضوع مزایده و جهت کسب اطلاع از جزئیات بیشتر می‌توانند پس از خرید اسناد و در نظر قرار دادن شرایط مزایده، با جناب آقای هادی محمدپور به شماره تلفن ۶۶۶۹۷۱۱۳ و ۶۶۶۹۴۰۷۶-۰۲۱ تماس و هماهنگی لازم را به عمل آورند.
● شرکت در مزایده صرفا از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت "ستاد" می‌باشد و کلیه مراحل فرآیند مزایده شامل خرید و دریافت اسناد مزایده (در صورت وجود هزینه مربوطه)، پرداخت تضمین شرکت در مزایده (ودیعه)، ارسال پیشنهاد قیمت و اطلاع از وضعیت برنده بودن مزایده‌گران محترم از این طریق امکان پذیر می‌باشد.
● علاقه‌مندان به شرکت در مزایده می‌بایست جهت ثبت‌نام و دریافت گواهی امضای الکترونیکی (توکن) با سامانه تدارکات الکترونیک (ستاد) به‌شماره تلفن ۱۴۵۶-۰۲۱ تماس و یا به آدرس اینترنتی www.setadiran.ir مراجعه نمایند.
اداره کل املاک بانک سپه

آگهی تجدید مناقصه عمومی یک مرحله‌ای با ارزیابی ساده (شماره ۷۵-۱۴۰۰)
شرکت آب و فاضلاب منطقه یک شهر تهران
شرکت آب و فاضلاب منطقه یک شهر تهران در نظر دارد، فراخوان "نظافت، سرویس‌دهی آبدارخانه و باغبانی در ساختمان‌های متعلق به شرکت آب و فاضلاب منطقه یک شهر تهران به مقادیر و متراژ کل ۲۲۵۲۰ متر مربع و به تعداد ۵۲ نفر" به شماره "۲۰۰۰۰۹۴۵۶۶۰۰۰۰۲۸" را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید. کلیه مراحل برگزاری فراخوان از دریافت و تحویل اسناد فراخوان تا بازگشایی پیشنهادات از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد. متقاضیان شرکت در فراخوان در صورت عدم عضویت در سامانه، نسبت به ثبت‌نام و دریافت گواهی امضای الکترونیکی (به صورت برخط) برای کلیه صاحبان امضای مجاز و مهر سازمانی اقدام لازم را به عمل آورند. ۱. مواعد زمانی: ◄ تاریخ انتشار فراخوان: ساعت ۹ صبح روز پنجشنبه مورخ ۱۴۰۰/۱۲/۲۶ ◄ مهلت دریافت اسناد فراخوان: ساعت ۱۶ روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۱/۰۱/۱۵ ◄ مهلت ارسال پیشنهادات: ساعت ۱۶ روز شنبه مورخ ۱۴۰۱/۰۱/۲۷ ◄ زمان بازگشایی پاکات: ساعت ۱۴:۳۰ روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۱/۰۱/۲۸ در محل سالن کنفرانس دستگاه مناقصه‌گزار ۲. برآورد مبلغ مناقصه: معادل ۹۵،۵۸۷،۲۶۱،۹۰۲ (نود و پنج میلیارد و پانصد و هشتاد و هفت میلیون و دویست و شصت و یک هزار و نهصد و دو) ریال می‌باشد. ۳. مدت کار: از تاریخ ۱۴۰۱/۰۱/۰۱ به مدت یکسال شمسی ۴. شرایط شرکت کنندگان: ◄ الف) دارای قراردادهای منعقده با دستگاه‌های اجرایی و شرکت‌های آب و فاضلاب در سطح کشور (حداقل ۴ قرارداد مشابه و به مبلغ برآورد مناقصه) ◄ ب) دارای حداقل ۴ مورد گواهی حسن انجام کار (رضایتنامه) مربوط به قراردادهای ارائه شده در بند الف ◄ ج) دارای گواهی صلاحیت پیمانکاری از وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی ◄ د) دارای گواهی صلاحیت ایمنی از وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی ◄ و) ارائه ۲ فقره مفاصاحساب مالیاتی در طی ۵ سال گذشته ◄ ه) برنده مناقصه می‌بایست دارای دفتر کار در شهر تهران باشد و لازم و ضروری است حداکثر تا یک ماه پس از ابلاغ قرارداد نسبت به ارائه مستندات دفتر کار به دستگاه نظارت کارفرما اقدام نماید. تذکر مهم: بدیهی است با توجه به ارزیابی کیفی به روش ساده، عدم ارائه هر یک از موارد فوق منجر به عدم تائید و عدم بازگشایی پاکت "